

پیدایش مخاطب تازه و سبک نو در ادبیات داستانی ایران و مخاطرات آن

بررسی جامعه‌شناختی خوانش‌ها

محمد رضا جوادی یگانه

سید محمد علی صفی



نشر

سرشناسه

: جوادی یگانه، محمدرضا، ۱۳۴۸ -

عنوان و نام پدیدآور : پیدایش مخاطب تازه و سبک نود ادبیات داستانی ایران و مخاطرات آن: بررسی جامعه شناختی خوانش دا

مشخصات نشر : تهران: نشر علم، ۱۳۹۴.

مشخصات ظاهری : ۲۰۴ ص.

شابک : 978-964-224-725-7

وضعیت فهرست نویسی : فیهای مختصر

یادداشت : فهرست نویسی کامل این اثر در نشانی: <http://opac.nli.ir> قابل دسترسی است

شماره افزوده : صحفی، سید محمد علی، ۱۳۶۲ -

شماره کتابشناسی ملی : ۳۸۵۳۳۹۴



کتاب

پیدایش مخاطب تازه و سبک نو در ادبیات داستانی ایران و مخاطرات آن

محمد رضا جوادی یگانه - سید محمد علی صحفی

چاپ اول: ۱۳۹۴

تیراژ: ۷۷۰ نسخه

لیتوگرافی: صدف ۸۸۸۳۰۵۳۳

چاپ و صحافی: رامین

ناشر: نشر علم

خیابان انقلاب - خیابان دوازدهم فروردین - خیابان شهدای ژاندارمری

بن بست گرانفر پلاک ۴ تلفن: ۶۶۴۱۲۳۵۸

حق چاپ برای ناشر محفوظ است.

شابک ۷ - ۷۲۵ - ۲۲۴ - ۹۶۴ - ۹۷۸

۱	مقدمه
۱۹	فصل اول: معرفی کتاب دا
۳۳	فصل دوم: تحلیل گفتمان انتقادی دا
۶۳	فصل سوم: میزان خوانشی دا (نتایج پیمایش تلفنی و اینترنتی در باره دا)
۸۵	فصل چهارم: خوانش تدریجی دا
۱۰۹	فصل پنجم: دراماتیزه کردن تاریخ
۱۵۱	فصل ششم: سخن آخر
۱۷۳	منابع
۱۸۱	پیوست

دا، زندگینامه سیده زهرا حسینی، زن خرمشهری است که دوران جوانی (۱۷ سالگی) او مصادف با آغاز جنگ در خرمشهر شد، مصائب آغاز جنگ را درک کرد، و بعد از آن، آوارگی های پس از آن را. این کتاب، زندگینامه اوست از زبان خود او، از ابتدای تولد تا زمان حال، که توسط اعظم حسینی، گردآوری، ویراستاری و متفح شده است. کتاب توسط انتشارات سوره مهر در سال ۱۳۸۷ منتشر و تاکنون بیش از صد و پنجاه مرتبه به چاپ رسیده است.

چه چیزی در دا وجود دارد که آن را اینهمه جذاب و پرمخاطب کرده است؟ به گمان ما، ترکیب چند عنصر به صورت همزمان عامل جذابیت دا است: سقوط خرمشهر، بیان متفاوت از حضور زن در جنگ، روایت زنانه جنگ شهری، و پیدایی احساسات نوظهور خواننده.

الف) دا سرگذشت حمله عراق به خرمشهر است، ناکهانی و بیرحمانه. خرمشهر ویران می شود و بعد از سی و پنج روز مقاومت، به دست عراقی ها می افتد، تخریب می شود و خونین شهر می گردد. جنگ خانه به خانه خرمشهر، نمادی از حمایت تاریخی مردم ایران، از سرزمین و شهر و دیارشان است. اما این داستان، با وجود آن که داستان شکست است و از دست دادن شهر، ولی همه می دانیم که سرانجامی خوش دارد.

خرمشهر به سادگی توسط متجاوزین تسخیر نشد و مردم خرمشهر تا آنجا که توان داشتند، از آن دفاع کردند. در بحبوحه بی سامانی سیاسی و نظامی آستانه

جنگ، کمتر کسی به کمک مردم خرمشهر آمد. مقاومت سی و پنج روزه خرمشهر، مقاومت مردمی بی دفاع در برابر ارتشی تا بن دندان مسلح بود، و بازپس گیری خرمشهر، پیروزی ملتی بود تنها، در برابر تمام جهان؛ ملتی که برای اولین بار پس از دویست سال، توانسته بود شهری از دست رفته را پس بگیرد. و فتح خرمشهر، نماد خیرش مجدد ایران و پایان دوران شکست در ایران است؛ دیگر «منطق شکست» بر مناسبات ایران با جهان حاکم نبود. این است که خاطرات سقوط خرمشهر، هر چند تلخ، ولی یادآور یک پیروزی شیرین و تاریخی است. (این مساله در نبرد والفجر هشت و فتح فاو صادق نیست. فتح فاو بسیار زیباست و اوج قدرت نمایی جنگی ایرانی، ولی اینکه بالاخره عراق فاو را پس گرفت، نکته‌ای است که در هر حال، پایان تلخ جنگ را به یاد می‌آورد.) هر چند کتاب، خاطرات زهرا حسینی است، اما قهرمان اصلی داستان خرمشهری است که به خونین شهر تبدیل می‌شود.

ب) دا رمان نیست، بلکه واقعیت است، ولی از عنصر خیال نیز برخوردار است. نوعی «خودنگاری تخیلی» است. تفاوت دا با رمان جنگ در این است که رمان، واقعیت مجازی^۱ است، یعنی برگرفته از تجربیات و مشاهدات نویسنده است، اما «کاملاً» با آن منطبق نیست، در اسامی و حوادث و مکان‌ها و... دست برده شده است. سفر به انتهای شب فردیناند سلین (۱۹۳۲/۱۳۷۳)، داستان دوره‌ای از زندگی فردینان باردامو را در در جنگ جهانی اول (به عنوان سرباز)، مجروحیت او، بستری شدنش در یک بیمارستان روانی، پس از آن سفر او به قلب آفریقا، و بعد آمریکا را بیان می‌کند. این کاملاً مطابق با تجربیات سلین و حوادث رخ داده در زندگی اوست. اما باز هم زندگی‌نامه سلین نیست. مرز میان واقعیت و تخیل در رمان، پر ابهام است، ولی روشن است که در هر حال، رمان، به تمامه، واقعیت نیست. واقعیت هست و نیست.

اما دا، تماماً واقعیت است. یعنی هر چه در این کتاب گفته می‌شود، چیزی

است که زهرا حسینی مستقیماً دیده است، یا می‌بایست دیده باشد. ممکن است او در بیان احساسات خود دچار اغراق شده باشد، یا در نقل احساسات و خاطرات خود پس از بیست سال خطا کرده باشد، ممکن است خطا دیده باشد یا خطا فهمیده باشد، ولی در آنچه دیده، دست نبرده است، یا ما انتظار داریم دست نبرده باشد و البته می‌توان مطالب کتاب را با روایت‌های دیگر از همان مقطع راست‌آزمایی کرد (در کتاب دا این راست‌آزمایی با ذکر خاطرات دیگران از زهرا حسینی به صورت ضمایم کتاب انجام شده است). دا روایتی است از زندگی او، که از ابتدای آن شروع می‌شود و تا حوالی اکنون را در بر می‌گیرد و از خلال روایت زندگی شخصی او، ما به بخشی از واقعیت و جزئیات حمله عراق به خرمشهر، آوارگی مردم آن و مهاجرین جنگ تحمیلی پی می‌بریم.

دا، پرفروش‌ترین کتاب منتشر شده در باره جنگ (و احتمالاً در تمام ادبیات داستانی ایران) است و در حوزه ادبیات جنگ می‌گنجد. هر چند ناشر، دا را خاطره دیگرنوشت می‌داند، اما به دلایلی که در این کتاب خواهیم گفت، از منظری دیگر در ژانر خودنگاری تخیلی قرار می‌گیرد ولی در هر حال داستان و رمان نیست و زندگی‌نامه داستانی هم نیست. و البته یکی از علل موفقیت دا، فاصله گرفتن آن از رمان است. تجربه رمان جنگ در یکی دو دهه اخیر نشان می‌دهد که نویسندگان جنگ، برای جذابیت بیشتر (یا بنا به تعریفی که از رمان داشته‌اند) عناصری را در رمان وارد کرده‌اند، که معمولاً نه با انتظار خواننده رمان جنگ سازگار است و نه با واقعیت جنگ.

حضور یک فاحشه به همراه دخترش در آبادان، سرباز ایرانی که در آغاز آتش‌بس با یک سرهنگ عراقی نامه‌نگاری می‌کند، داستان جنازه عریان دختر منافقی که سپر بلای رزمنده‌ای می‌شود که پیش از این با او همسایه بوده، و حضور رزمنده در بارهای نیویورک و... نمونه‌هایی است که هر چند در جنگ امکان وقوع داشته، و شاید هم رخ داده باشد، اما آنقدر نیست که بتواند بُعدی از ابعاد جنگ را

بیان کند. همین مسأله‌ای است که مخاطب را از رمان جنگ دور می‌کند. جنگ تحمیلی یک استثنا در تاریخ ایران بود، اما رفتارهای رزمندگان در دوران جنگ، عمومیت‌هایی داشت که رمان جنگ قدرت بیان آن عمومیت‌ها را دارد.

فاصله گرفتن مخاطب از رمان جنگ (که انتظارات او را برآورده نکرده) و توجه مجدد وی به روایت‌های مستند از جنگ مشهود است و این باعث شده تا بار دیگر، روایت‌های اصیل از جنگ (که در اولین سال‌های پس از تمام شدن جنگ، در قالب شب‌های خاطره دنبال می‌شد) به صورت خاطرات منقح شده از جنگ (و بدون عنصر خیال) به عنوان ژانر غالب ادبیات جنگ مطرح شود. (و البته عنصر خیال و حضور آن در دایره عامل نگران‌کننده‌ای است که در فصل هفتم کتاب به آن و به مخاطرات احتمالی رواج آن پرداخته شده است).

ج) یکی از استثناهای جنگ تحمیلی، فقدان عنصر جاذبه جنسی میان زن و مرد در جنگ است. عشق و زن یکی از درون‌مایه‌های ماندگار رمان است، اما جنگ فاقد این ابعاد بوده است. جنگ تحمیلی (جز در دوران اولیه خود، بویژه در خرمشهر) خارج از محیط شهری رخ داده است و لذا تعمیم الگوهای جنگ داخلی آمریکا یا مقاومت کشورهای اروپایی اشغال شده توسط آلمان در جنگ جهانی دوم (در قالب رمان‌های رایج جنگ در جهان) به جنگ عراق علیه ایران، روایت جنگ را از واقعیت خویش دور می‌کند و این مسأله‌ای است که در رمان جنگ در دو سه دهه اخیر رخ داده است.

در جنگ تحمیلی، زن و مرد حضور داشتند، زنان بیشتر پشت جبهه، ولی زنانگی و مردانگی در جنگ بروز نداشت. آنچه حضور داشت، روابط خانوادگی (مادر با پسر، خواهر و برادر، و زن و شوهر) بود که در این‌ها، بیشتر عواطف خانوادگی بروز دارد و مسأله جنسی در رابطه زن و شوهر در حاشیه آن مطرح می‌شود.

اما روابطی که منجر به ازدواج می‌شود، نوعاً در سال‌های پیش از شروع جنگ

و در فعالیت‌های داوطلبانه در کردستان و در سایر مناطق رخ داده است. شروع جنگ، آن اندازه سهمگین بود، که تمام این نوع روابط را تحت الشعاع قرار داد. آنچه در جنگ رخ داد، دوری بود و نگرانی‌های زمان عملیات و شهادت فرزند و برادر و شوهر، و همه فعالیت‌های پشت جبهه زنان. این نوع از روابط خانوادگی میان زن و مرد، زیباست، اما کم‌تر به جنگ رمان جنگ درآمده است. نوع داستان‌های کوتاه سید مهدی شجاعی، قاصدک علی موذنی (۱۳۷۲) و برخی داستان‌های زهرا زواریان یا داستان‌های نوجوان در باره جنگ در این قالب قرار می‌گیرد.

در دهه گذشته، روایت دیگری از زن در جنگ نیز بیان شد و آن روایت زنان (همسران) سرداران جنگ بود. اکثر فرماندهان جنگ، جوانانی بودند که نزدیک به زمان جنگ یا در طول جنگ ازدواج کردند و همسران آن‌ها نیز زنانی بودند که در عرصه اجتماعی حضور داشتند و روایت‌های (گفتاری یا مکتوب) آنها، مخاطب را جذب می‌کرد، چون آشنایی و ازدواج و دوری فرماندهان از خانواده و... را در بر می‌گرفت. اما این زنان، دور از جنگ بودند (هر چند برخی از آن‌ها، در کردستان حضوری فعال داشتند) و تنها در حاشیه جنگ حضور داشتند.

تاکید یک‌باره و افراطی بر روایت این همسران، موجی بود که افول کرد؛ دلیل افول آن نیز باز انتظار مخاطب بود و اینکه این روایت ظرفیت محدودی برای بسط دارد، به ویژه با خصوصیات اخلاقی جامعه ایران در پرهیز از بیان روابط صمیمانه میان زن و شوهر. ما از خلال داستان رفتار یک فرمانده لشکر در خانه، تقریباً چیزی از رفتار جبهه و جنگ وی نمی‌دانیم و خواننده رمان و ادبیات جنگ انتظار دارد که این را بداند. نمونه اخیر آن دختر شینا (ضرابی‌زاده، ۱۳۹۰) است که خانم محمدی کنعان هیچ نکته‌ای از زندگی شوهرش در جنگ بیان نمی‌کند و تنها زندگی خود را به عنوان همسر یک سردار روایت می‌کند.

(د) دا نیز روایت یک زن است از جنگ، اما از نوع دیگری است. داستان زنی

نیست که شوهرش به جنگ رفته و او چشم انتظار است؛ زنی که با نامزد یا شوهر جوانش در میانه جنگ گرفتار شده و اکنون خودش یا شوهرش به اسارت در آمده است؛ زنی که شوهرش شهید شده و او مانده با فرزندی بدون پدر، یا بی فرزند و در میانه نامحرمات، و او همچنان وفادار به شوهر شهید؛ زنی که شوهرش فرمانده لشگری است و او در یکی از شهرهای مرزی دور از خانواده زندگی می کند و شوهر تقویاً هیچ وقت نیست؛ زنی که شوهرش جانباز شده و او یک عمر با او زندگی می کند و دشواری های آن را تحمل می کند. این ها بخشی از تاریخ این جنگ است و روایت حضور زنان در آن، که هر یک به جای خود بالرزش است.

اما دا، هیچ یک از این داستان ها نیست و کاملاً متفاوت عمل می کند. داستان زنی است در متن جنگ، روایت دختر جوانی که جنگ به شهر آن ها هجوم آورده و او (دختری در آستانه جوانی) به تدریج درگیر خشن ترین فعالیت ها می شود: مرده می شوید، آن هم بدن زنان کشته شده از جنگ، زیر آوار مانده یا ترکش بمب و راکت خورده و با بدن های قطعه قطعه، جنین های سقط شده و نوزدان با پستانک به دهان کشته شده روبه رو است.

راوی دا دیگر در انتظار خبر نیست، قبل و بعد از واقعه (تربیت فرزند و موافقت با اعزام او به جبهه، و برخورد او با جنازه فرزند شهیدش) نیست که حضور داشته باشد، بلکه در متن واقعه است و خود، عین واقعه است.

و در همین میانه، پدرش و بعد از پنج روز برادرش نیز کشته می شود، در همین نزدیکی، و او به ناگهان خبر شهادت برادر را در می یابد، به عینه و با دیدن جنازه برادر، باز هم در میانه و همان گونه که رزمندگان در صحنه جنگ، به صورت اتفاقی، روایت شهادت نزدیکانشان را می بینند و می شنوند.

زهرآ حسینی یک سیر تدریجی را در ورود به جنگ پیدا می کند. ابتدا دیدن جنازه ها است در روز اول جنگ، بعد کمک به حمل جنازه ها، پوشاندن زخم آن ها برای اینکه خون نیاید و شستن جنازه ها، قبر کنند و خاک کردن جنازه ها. سیر

بعدی در ارتباط با مرگ است: ابتدا دیدن و شستن جنازه در مرده‌شوی‌خانه، بعد دیدن بدن‌های تازه کشته شده (پیرمرد با مغز متلاشی‌شده در پشت بام و جمع کردن تکه‌های مغز وی)، بعد رسیدن در لحظه مرگ آن جوان و بعد مشاهده فجیع‌ترین انواع مرگ (متلاشی شدن ارتشی در مقابل او و دیدن افراد سر تا پا سیاهپوش، که جزغاله شده بودند). سیر بعدی نیز در ارتباط با خود اوست: موج-گرفتگی و بعد مجروحیت. با همین سیر تدریجی نیز در کار جنگ وارد می‌شود: کمک به مجروحین، آمبول زدن، و بعدها در کمپ بخیه زدن. توزیع غذا در جبهه بهانه‌ای برای حضور در صحنه جنگ در خرمشهر می‌شود. در جنگ نیز خمپاره پرتاب می‌کند، اسلحه تعمیر می‌کند، در لحظه‌های بحرانی جنگ شهری در خرمشهر حضور دارد و شلیک می‌کند، در اتاق جنگ حاضر می‌شود و با سرهنگ‌های ارتشی بحث می‌کند. او بعد از مجروحیت بر سر حقانیت رزمندگان با ارتشی‌ها درگیر می‌شود و دستگیر می‌شود. این پختگی در سیر تدریجی، خواننده را با جنگ آشنا می‌کند و آن را برایش باورپذیر می‌سازد.

دا دختر جوانی است که هم نقش کاملاً زنانه ایفا می‌کند (بدن زن مرده شستن) و هم نقش مردانه (گورکنی و جنگ). این پختگی در اثر جنگ است که دا را جذاب می‌کند. دا، روایت زنی است که نه به خاطر دیگری (یک شهید یا شوهری که فرمانده است)، و وابسته به آن دیگری اهمیت پیدا می‌کند؛ که خود در میانه میدان است. او در جایی است که ما انتظار نداریم باشد. دا تعریفی را از جنگ بیان می‌کند که کم‌تر کسی آن را دیده، ولی موجود بوده و رمان جنگ از آن مر باز زده است. داستان‌های مردانه جنگ نیز از این روایت‌ها دارند، اما اولاً جنازه شهدای معرکه شسته نمی‌شود و ثانیاً روایت مردانه جنگ بیشتر کشته شدن و شهادت است نه جنازه‌ها و غسل‌خانه. حضور این تعداد کشته زن در یک جا است که اثر را درخشان می‌کند و هوار این واقعیت بر خواننده دردناک است. در سلاخ‌خانه شماره ۵ (ونه‌گات، ۱۳۷۲) انتظار ما این است که تمام داستان در باره پرتلفات‌ترین

کشتار انسانی توسط حمله هوایی متفقین در درسدن آلمان باشد، اما کمتر توصیفی از تعداد صد و خرده‌ای هزار کشته موجود است و بیشتر به حوادث پیرامونی می‌پردازد. از این حیث، دا می تواند روایت منحصر به فردی را ارائه کند، که تاکنون با این دردناکی و اثرگذاری در ادبیات فارسی موجود نبوده است.

ه) مارجوری دوالت در کتاب روش رمایی بخش (۱۳۸۵) در تحلیل رمان «دنیای بورژوازی جدید» نوشته گاردایمر (۱۹۶۶) نشان می‌دهد که قرائت منتقدان نشریات عمومی (عمدتاً مرد)، و دانشگاهیان و پژوهشگران ادبی با قرائت یک خواننده زن معمولی و حتی فمینیست متفاوت است. او در بخشی از این تحلیل نشان می‌دهد که نویسنده زن آن رمان، جزییات فراوانی از زندگی روزمره و نقش‌های مادری و زنان را در داستان آورده است، اما اکثر خوانندگان به این جزییات بی‌توجه بوده‌اند و آن را بخش‌های فرعی قلمداد کرده‌اند. در دا نیز چنین است. راوی به عنوان زن جزییاتی را بیان کرده که در خاطرات مردانه از جنگ این خاطرات به یاد آورده نمی‌شود و به چشم نمی‌خورد، یا بیان نمی‌شود. ذکر این جزییات باعث شده تا دوران ۲۲ روزه حضور خانم حسینی در خرمشهر (از آغاز حمله عراق تا مجروح شدن او) در حجمی بالغ بر ۴۶۰ صفحه (صفحات ۷۳ تا ۵۳۱) و بدون تکرار بیان شود. در حالی که کل روایت بابانظر به عنوان یک فرمانده از جنگ هشت ساله (رحیمی، ۱۳۸۸) در ۳۹۰ صفحه (صفحات ۶۴ تا ۴۵۸) ذکر شده، با این تفاوت که تعداد کلمات در هر صفحه دا حدود ۱۰۵ برابر بابانظر است. کافی است صحنه جمع کردن مغز متلاشی شده پیرمرد کشته شده روی بام در کتاب دا (صص ۲۷۱-۲۷۴) با ذکر تمام جزییات و گفتگوها و رفتارها، را با صحنه درخشان توصیف مجروح شدن شهید نظرنژاد (بابانظر) در حداقل کلمات، از زبان خودش مقایسه کنید:

تمام بدنم غرق خون بود، چشم چپم کور شده بود، گوش چپم دیگر نمی‌شنید، پهلوی و قفسه سینه‌ام شکافته بود، ماهیچه‌های دستم آتش و لاش بود، پاهایم وضع بهتری نداشتند؛ اما به نظر خودم خوب و سالم بودم. حسین آذری‌نوا با دیدن من

شوکه شد. مرتب دور من می‌چرخید و می‌گفت نظرنژاد چشمت چه شده؟...
گفتم شما به چشم من چه کار داری؟ نیروها دارند تلف می‌شوند. (رحیمی،
۱۳۸۸: ۱۳۱)

شهید نظرنژاد گلوله تانک خورده است، به شدت مجروح شده و بعد از مجروح شدن، از صبح تا نه شب گردان خود در جنگ را اداره می‌کند و بعد خودش به عقب برمی‌گردد. تمام این چندین ساعت، که وقایع صحنه نبرد را هم بیان می‌کند، در کمتر از سه صفحه بیان شده است.

این تمایز میان روایت زنانه و مردانه از جنگ، یکی از نکاتی است که می‌تواند اقبال فراوان به دا را نیز تحلیل کند، که البته مخاطراتی نیز دارد که در فصل هفتم در باره این نوع از روایت توضیح بیشتری داده می‌شود.

و) دیوید میال^۱ در مقاله‌ای با عنوان «گفتمان ادبی» (۲۰۰۲) در باره انواع تأثیرات اثر بر خواننده (و نوع احساسات تحریک‌شده آنها) می‌گوید که «دانش تجربی ادبیات»^۲ نشان می‌دهد در رمان، احساسات نوظهور بیشتر از احساسات قدیمی پرانگیخته می‌شوند، اما کمتر دلبذیر هستند. تصویر اجساد زنان تکه‌تکه‌شده در اثر بمب و راکت دشمن، و دختر جوانی که به جبر زمانه مجبور می‌شود جسد آنها را بشوید، احساسی نوظهور است و کمتر کسی است که تجربه مرده‌شویی داشته باشد. این تصویر به دلبذیری خاطرات تکراری (عشق و جدایی و...) نیست، اما به همین دلیل تأثیرگذار است و در یاد می‌ماند.

دا داستانی است که در خاطره جمعی مردم ایران می‌ماند: دختر جوانی در غسل‌خانه خرمشهر با بدن‌های خونین پیش رویش.

^۱ Miall

^۲ Empirical Science of Literature-ESL

جای خالی پژوهش در مخاطبان دا

دا یک پدیده در ادبیات داستانی ایران، و نه فقط ادبیات انقلاب اسلامی و جنگ تحمیلی است. همانگونه که در این کتاب بررسی می‌شود، دا و نگارش و نشر و خوانش آن، نشان از ظهور ژانر و سبک تازه و مخاطب جدید و شیوه توزیع جدید در ادبیات داستانی ایران دارد. و اگر دوران مشروطه تا شروع دیکتاتوری رضاشاه را اول دوره طلایی ادبیات معاصر ایران (در حوزه شعر سیاسی)، و دوران پس از کودتای ۲۸ مرداد تا ۱۳۵۴ را دومین دوره طلایی آن (در حوزه داستان و شعر) بدانیم، یک دهه گذشته، سومین دوره طلایی ادبیات داستانی ایران در حوزه ادبیات انقلاب و جنگ است. گفتر از چاپ صد و پنجاهم یک کتاب، و شمارگان چندصدهزاری آن، صف کشیدن‌های خوانندگان برای خرید کتاب، حضور گسترده نویسندگان کتاب‌ها در جمع مردم و در رسانه‌ها، و نیز عرضه آنها (و بویژه دا) در همه کتابفروشی‌ها و سایر فروشگاه‌هایی که می‌توانند محصولات فرهنگی نیز عرضه کنند، نشان از اقبال گسترده به آن دارد. به علاوه شواهد اولیه نشان از ظهور نسل تازه‌ای از خواننده در حوزه ادبیات داستانی دارد که در این کتاب بررسی خواهد شد.

این اقبال گسترده، مستلزم بررسی بیشتر این پدیده است و از منظرهای گوناگونی می‌توان به آن نگریست. هدف ما در این کتاب، بررسی مخاطبان دا در تهران است و سنجش کمیت و کیفیت خوانش آن از منظر جامعه‌شناسی ادبیات. بررسی میزان مخاطبان دا از آن رو اهمیت دارد که میزان فروش دا حاکی از آن است که این اثر، «پرفروش‌ترین» اثر ادبیات داستانی در تاریخ ایران است. هر چند اما و اگرهایی در نحوه انتشار چاپ‌های متعدد دا وجود دارد و تیراژ سه هزار تایی برای هر چاپ، توجیه اقتصادی ندارد^۱، اما در هر حال، دا با توجه به مجموع

^۱ تجربه رمان‌های پرفروش عامه‌پسند و مذهبی نشان می‌دهد که این آثار معمولاً در چاپ‌های بعدی تیراژی بین پنج تا ده هزار دارند و برخی آثار عامه‌پسند تیراژ بیست هزار تایی هم دارند. از این رو تجربه بازار، تیراژ

شمارگان منتشر شده (و نه فقط با شماره چاپ‌های آن) پرفروش‌ترین است.

ولی باز هم مساله دیگری در باره دا مطرح شده و آن این است که دا بیش‌تر از آن‌که فروخته شده باشد، هدیه داده شده و به رایگان توزیع شده و در هر حال، این میزان شمارگان، هر چند پرفروش بودن آن را نشان می‌دهد، اما لزوماً دلیل بر پرخواننده بودن آن نیست. یعنی کتاب توزیع شده است و احتمالاً در دسترس مردم هست، ولی لزوماً خوانده نشده است.^۱

این دو مساله طرح شده در باره دا، که بیش از آنکه برگرفته از واقعیت باشد ناشی از یک ارزیابی ایدئولوژیک است که با شک و تردید به موفقیت ادبیات جنگ و انقلاب نگاه می‌کند (و اصولاً آن را چندان جدی نمی‌گیرد)، اما در هر حال ضرورت تحقیق در باره میزان مخاطبان دا را بیان می‌کند. مساله دیگری که ضرورت آن را بیشتر می‌کند آن است که بناست نمایش تلویزیونی^۲ از کتاب دا به مخاطبان عرضه شود. اگر این امر محقق شود، آنگاه «خاطره» مخاطبان از دا، بیش از آنکه بر اساس کتاب باشد، بر اساس تلویزیون شکل خواهد گرفت و این با توجه به گسترش و نفوذ زیاد تلویزیون (و نه رادیو) در ایران، دور از انتظار نیست. بنابر این، اگر بنا باشد، داده‌ای در باره «خوانش دا» بیان شود، باید تنها بر اساس کتاب باشد و پیش از روایت تلویزیونی آن. لذا است که بررسی در باره میزان خوانش، باید پیش از بخش تلویزیونی آن انجام شود.

البته اکنون نیز، تبلیغات و اظهار نظرهای مختلف در مورد کتاب، باعث شد که

خبرگزاری آنا (۱۳ اردیبهشت ۱۳۹۱) از چاپ یکصد و دهم کتاب دا، این کتاب در هر چاپ پنج هزار نسخه پُر از دارد.

برای نمونه نگاه کنید به نقد متصفاته زهیر توکلی در باره هدیه دادن دا. نظرات ارائه شده در باره این مطلب نیز قابل توجه هستند.

<http://alef.ir/vdce7n8zzjh8ozi.b9bj.html?195101>

^۲ روایت رادیویی از دا ساخته شده است. برنامه قصه دا به صورت تلفیق انیمیشن و زنده با گویندگی بازیگران سرشناس زن، از سوی گروه حماسه و دفاع شبکه اول تولید می‌شود. در این برنامه تعدادی از چهره‌های شناخته شده سینما و تلویزیون با حضور مقابل دوربین در زمان ۱۵ دقیقه به خوانش بخش‌هایی از کتاب دمی‌پردازند. هنرمندانی چون افسانه بایگان، پریوش نظریه، بهنوش بختیاری، لیلا بلوکات، شبنم قلی‌خانی، گیتی خاتمه، روانک یونس، پرستو صالحی، بهناز جعفری، لادن طباطبایی، فریا کامران، عسل بدیعی، مسحر دولتشاهی، خاطره حاتمی، آشا محرابی، خاطره اسدی، در این برنامه به خواندن دا پرداخته‌اند.

عده زیادی از کتابی به نام دا و محتوای اجمالی آن اطلاع داشته باشند. ساخت برنامه‌های متعدد رادیویی و تلویزیونی با حضور راوی و یا در باره دا، نیز باعث گسترش این آشنایی شده است.

علاوه بر این حضور متعدد راوی داستان در محافل رسانه‌ای نیز به معروفیت دا کمک کرده است، کمکی که در کنار سایر تبلیغات، چاپ‌های متعدد کتاب را در برداشته است که چنانکه مدیرعامل انتشارات سوره مهر، عنوان کرده که ۹۵ درصد خریدهای کتاب دا از سوی مردم و تنها ۵ درصد از سوی نهادها بوده است.^۱ بنابراین با احتساب ۱۵۰ چاپ از کتاب (اگر تا چاپ ۱۱۰، ۲۵۰۰ نسخه و پس از آن ۵۰۰۰ نسخه در هر نوبت چاپ باشد)، شمارگان کلی کتاب دا از ۴۷۵ هزار نسخه گذشته است. (آخرین آمار شمارگان کل کتاب، مربوط به دی ۱۳۸۹ در خبرگزاری کتاب ایران است، که شمارگان کتاب ۳۵۰ هزار نسخه در ۱۴۰ نوبت چاپ عنوان شده است. البته تعداد چاپ کتاب در اردیبهشت ۱۳۹۲ به ۱۵۰ چاپ رسیده است.)

این دغدغه‌ها، ضرورت مخاطب‌شناسی دا را بیان می‌کند. پیشنهاد ما انجام یک طرح پژوهشی در این باره بود تا شواهد تجربی متنی از خوانش دا به دست آید. اما تلاش یک‌ساله ما و ارائه طرح پژوهشی به سازمان تبلیغات اسلامی و حوزه هنری، علیرغم پذیرش اولیه طرح و تایید ضرورت آن از سوی آنها، به جایی نرسید و در نهایت، طرح با بضاعت مزجه یک پژوهش دانشجویی انجام شد.^۲

اهمیت این سنجش در آن است که توانسته است بر اساس پیمایش تلفنی ۴۰۰۰ نفره، به یافته‌هایی «قابل تعمیم» در باره میزان خوانش دا، در استان تهران دست یابد، یعنی بر اساس میزان اطمینان ۹۵ درصدی، می‌توان میزان مخاطبان دا را در استان تهران برآورد کرد و این برآورد، نه برگرفته از سایت‌ها و مشاهدات، که

^۱ <http://farsi.khamenei.ir/news-content?id=9367>

^۲ طرح پژوهشی با عنوان «سنجش میزان و نوع مخاطبان رمان دا و کیفیت خوانش دا» مصوب تاریخ ۲۳ آذر

بر اساس یافته‌های آماری است. و تا آنجا که ما تحقیق کرده‌ایم، تاکنون در باره هیچ رمان و اثر ادبی‌ای در ایران، چنین سنجشی صورت نگرفته است. بعلاوه، با انجام پژوهش‌های دیگر، یعنی تحلیل گفتمان، پیمایش اینترنتی، بررسی خوانش تدریجی بر اساس نظریه دانش تجربی ادبیات، و بحث گروهی متمرکز تلاش شده تا داده‌های کیفی از خوانش دا و وضعیت مخاطبان آن به دست آید.

داده‌های پژوهش، که خلاصه‌ای از آن در فصل هشتم نیز آمده است، نشان از مخاطب حدود ۸۰ درصدی دا در استان تهران دارد، که تاییدکننده اقبال گسترده به دا است. اما هنوز هم جای خالی پژوهش‌های بیشتر در باره کتاب‌های دیگر این حوزه، و نیز ابعاد گوناگون آن به چشم می‌خورد.

فصل هفتم کتاب، بررسی ژانر کتاب دا است و اینکه در کدام سبک ادبی قرار می‌گیرد. به گمان ما، دا در مرز میان واقعیت و داستان و در ژانر خودنگاری تخیلی است، و همین مساله مخاطراتی را به دنبال دارد که بی‌توجهی به آن، می‌تواند موجب روگردانی مخاطب انبوه ادبیات انقلاب و جنگ از این ژانر شود، مساله‌ای که در باره رمان جنگ نیز رخ داد. ملاحظات از این دست، از آن رو اهمیت دارد که به نظر می‌رسد، تجربه اقبال فراوان به دا، و آثار مشابه آن، باعث سیطره این ژانر شده است، اما این ژانر، تنها یکی از ژانرها در ادبیات جنگ است و البته بررسی مخاطبان نیز نشان می‌دهد، که برای آنها واقعیت بیش از خیال اهمیت دارد و ناب بودن واقعیت دفاع مقدس، اولویت خواندن آنها است. مساله ذکرشده در این فصل، هنوز بروز و ظهور چندانی ندارد، اما باید متوجه پیامدهای احتمالی رواج این ژانر بود؛ اما برجسته کردن این مساله، به معنای کم‌اهمیت‌دانستن دا نیست. و لذا این فصل، تنها برخی اشارات نگران‌کننده را در بر دارد، در میان همه نقاط قوت این آثار و بویژه کتاب دا. و البته نقاط قوت آن بسیار بیش از مسائل حاشیه‌ای در باره آن است.